

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

بررسی نسخه‌های خطی شرح سروری بر بوستان سعدی

(معرفی نسخ خطی، بررسی مختصات و رسم الخط نگارشی و اشکالات کاتبان آنها)

دکتر علی دهقان^۱دکتر حمیدرضا فرضی^۲جلال سلامی^۳

چکیده

«بوستان» سعدی با همت بسیاری از ادیبان و محققان داخل و حتی خارج ایران شرح و به ترکی، عربی و دیگر زبان‌ها ترجمه شده و نسخ خطی این منظومه بارها تصحیح شده و تعلیقات و حواشی بر آن نوشته شده است. شرح سروری را اولین شرح بوستان در خارج از ایران می‌دانند. در این مقاله، پس از معرفی اجمالی سروری و بیان اهمیت شرح او بر بوستان سعدی، نسخه‌های خطی این اثر معرفی می‌شود. سپس مختصات عمده نوشتاری نسخ خطی آن با ارائه شواهد، بررسی و مقایسه می‌گردد. قدیم‌ترین نسخه موجود این شرح (نسخه مجلس شورای اسلامی) که در زمان حیات مؤلف (۹۶۱ هجری قمری) تحریر شده، مبنای این مطالعه و نقد قرار گرفته و نسخ دیگر با آن مقایسه شده است. نسخه کتابخانه ملی کامل‌تر است و اشکالات و افتادگی‌های صفحات، کلمات و حروف آن نسبت به نسخه مجلس، کمتر است و به نظر می‌رسد که کاتب آن دقیق‌تر از کاتبان دیگر نسخه‌ها بوده باشد. با توجه به این که این نسخه، پس از نسخه اساس، از بقیه قدیم‌تر است و کاستی‌ها و ابهامات اندکی دارد، می‌تواند کمبودهای سایر نسخه‌ها را جبران کند.

کلید واژه‌ها:

شرح بوستان سعدی، تصحیح، نسخه خطی، رسم الخط، اشکالات، سروری

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران.

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۱- مقدمه

متون ادبی مانند سایر دستاوردهای تمدن یک جامعه، پیوسته دستخوش دگرگونی‌هاست و نیازمند دقت و تحقیق و نگهداری از زوال و در نهایت، تصحیح و احیا می‌باشد. از این رو «بر دانایان و مصححان فارسی زبان فرض مسلم است که در راه احیا و تصحیح نگارش‌های فارسی، از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزند و هیچ مجالی را به عبث از دست ندهند» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۷۹). نقد و تصحیح متون عبارت است از «به حاصل آوردن نسخه‌ای که بر اساس عرض دادن و مقابله کردن نسخه‌های خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد؛ به طوری که نسخه مذکور، چه از جهت مفهوم و معنی و چه از بابت لفظ و صورت، عین نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه داشته است و یا هیأتی داشته باشد که مؤلف، اثرش را به مانند آن و یا نزدیک به آن فراهم آورده است.» (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۱۴)

در این مقاله هدف آن است که قدیم‌ترین نسخه و نسخه‌های دیگر شرح سروری بربوستان (به ترتیب قدمت و ارزش آنها) معرفی گردد. مختصات، شیوه خط، تفاوت نسخ با یکدیگر و اشکالات کاتبان با شواهد هر کدام ارائه و نقاط قوت و ضعف نسخه‌ها نشان داده شود.

اهمیت این تحقیق بدان است که اولین بار است چهار نسخه معتبر شرح سروری با این طول و تفصیل معرفی می‌شود. فایده این کار، بیشتر وقتی نمایان خواهد شد که شرح سروری، به طور کامل تصحیح، احیا و منتشر شود تا مطالعه کنندگان (بخصوص آنان که با زبان ترکی آشنایی دارند)، این شرح آسان و در عین حال مفید را با مقام برآزنده کتاب ارزشمند شیخ اجل، سعدی علیه الرحمه بسنجند.

در این مقاله، «گ» به جای برگ [نسخه خطی]، «ص» برای نشان دادن صفحه و «س» علامت اختصاری سطر آمده است.

۲- شارح بوستان سعدی و اهمیت کار او

شرح بوستان سعدی به فارسی (با بیان واژه‌ها و تعبیرات به ترکی به صورت موردی) از آثار مهم ادبی درخور توجه و تصحیح، نوشته مصطفی بن شعبان سروری (۸۹۷-۹۶۹هـ. ق.)

دانشمند قرن دهم کشور عثمانی، اهل گلیبولی است. به گفته پاره‌ای از محققان ایرانی، وی بزرگ‌ترین معرّف و شارح آثار فارسی است و به سه زبان ترکی و فارسی و عربی مسلط بوده و علاوه بر شرح بوستان به آثار دیگر ادب فارسی، شرح‌هایی نگاشته است که از آن میان به شرح دیوان حافظ به ترکی و گلستان سعدی به عربی می‌توان اشاره کرد. نامبرده معلّم شاهزاده عثمانی، مصطفی بن سلیمان بوده و این کتاب را برای او تدریس می‌کرده است و به فرمان همین شاهزاده این اثر را شرح کرده است. (رامین و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۱۰-۷۰۹)

سروری در آغاز شرح بوستان بدین امر، اشاره کرده است: ... و بعد چنین گوید بنده ضعیف، سروری نحیف که چون در خدمت شهزاده سرو باغ دولت و گل گلبن روضه سلطنت و گزیده ریاحین گلشن رفعت و زبده ازهار حدیقه سعادت، السلطان ابن السلطان، مصطفی بن السلطان سلیمان - نثر الله ازهار وجود هما و اجری انهار جود هما- بودم، آن جناب معارف شعار و حضرت عوارف دثار از این بنده کمینه و چاکر دیرینه، تألیف کتابی چند و آثار دلپذیر طلب فرمود و از جمله تألیفات، یکی شرح گلستان بود. چون وقتی از بعض از تصنیفات مأمور به فارغ گشته بودم و پیش آن حضرت عالیه بر زانوی ادب نشست، اشارت به تألیف شرح بوستان کردند...

(نسخه مجلس سنا، گ ۲، س ۱۴-۶)

علی‌الظاهر، شرح سروری اولین شرح کامل این اثر به فارسی است و پیش از او کسی بوستان را به صورت کامل به فارسی شرح نکرده است. بدین ترتیب، سروری نخستین شارح کل بوستان است. با توجه به احاطه نامبرده به فرهنگ و ادب فارسی و نیز در دست داشتن نسخه‌های متفاوتی از بوستان، شرح او حائز اهمیت والایی است. (ریاحی، ۱۳۴۹: ۷)

سروری در این اثر به طریق شرح مزجی به توضیح ابیات می‌پردازد؛ به این گونه که کلمه به کلمه هر مصراع را توضیح می‌دهد. حال، این توضیح در پاره‌ای از موارد، معنای کلمه و عبارت است و گاهی به بیان نکات دستوری و بلاغی آن کلمه اشاره می‌کند. (بلند، ۱۳۹۰: ۴)

شایان ذکر است که در مواردی، معنی دقیقی که در شرح سروری ذیل بعضی از واژه‌ها آمده مؤید نظر محققان فقیدی چون مرحوم دکتر یوسفی و شادروان استاد همایی است و در

مواردی پرتوی است فرا راه سعدی شناسان و خاصانی که «در این ره فرس رانده اند» و گاهی «از تک فرومانده اند». برای مثال، سروری ذیل کلمه «سمیلان»، که تا کنون در ضبط و معنی این کلمه اختلاف هست، فقط یک کلمه نوشته و آن را فقیر معنی کرده است. با مطالعه توضیحات دکتر یوسفی و رأی متفاوت محققان مختلف ذیل همین کلمه، که ما را به نتیجه‌ای نمی‌رساند، وقتی حدس استاد همایی را از معنی این کلمه می‌خوانیم (← یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۸) و درمی‌یابیم که در میان نظرهای مختلفی که داده‌اند، معنی استاد همایی و معنی سروری نزدیک به هم و مؤید هم و صحیح‌ترین وجه ممکن به نظر می‌رسد، رأی صائب ایشان و دقت نظر سروری را تحسین می‌کنیم.

سروری شاعر نیز بوده و در پایان شرحش بر بوستان چنین آورده است:
چون عادت شارحان، اتباع مصنفان است، ما نیز گوئیم:

به آب دیده طفلان معصوم	به آه سینه پیران مظلوم
به مقبولان خلوت برگزیده	به معصومان آرایش ندیده
به هر طاعت که نزدیک صواب است	به هر دعوت که پشت مستجاب است
بده ما را به توفیقت رفیقتی	هدایت کن به سوی خود طریقتی
به سعدی چون سروری گشت همنام	که هر یک مصطفی بودند در نام
بلی چون در تخلص گشت سعدی	که نسبت کرد او خود را به سعدی
یکی را هم تخلص شد سروری	تیمّن کرد تا باشی سروری
امیدست آن یکی دیده سعادت	ندیده در دعای تو شقاوت
سروری یار بادا این یکی را	ز فضل تو بیابد اندکی را
که اندک فضل تو بسیار باشد	خنک آن کو به فضلت یار باشد

۳- معرفی نسخه‌های خطی شرح سروری بربوستان

۳-۱. نسخه کتابخانه مجلس سنا: نسخه‌ای است که نگارنده در تصحیح شرح بوستان سروری، اساس قرار داده‌ام و در این مقاله با عنوان «اس» از آن یاد شده است. این نسخه دارای مشخصات زیر است:

شماره ۱۵۰۷/۱۸۳۰۳ با مهر مجلس سنا (شماره ثبت ۸۴۶۶ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

نسخه مجلس سنا، دارای ۱۹۹ برگ (۳۹۸ صفحه ۱۹ سطری^۱) و بدون جلد است. البته ۶۱ برگ از (اوایل، اواسط و اواخر) این نسخه، افتاده است که چشمگیرترین آن، افتادگی برگهای ۱۱۲ تا ۱۴۴ است.

آغاز این نسخه چنین است:

حمد محسوب به عدد اوراق ریاض و شکر مسکوب به شمار قطرات حیاض آن خالق الوان بهارستان...

این نسخه به خط نستعلیق نوشته شده و خط خوانا و مناسبی ندارد، آرایش سطور و صفحات مطلوب نیست و نام کاتب هم در ابتدا یا انتهای آن نیامده است. صفحه اول این نسخه، ممهور است به مهری که متن آن چندان خوانا نیست. به احتمال قوی عبارت فوقانی آن، عربی و با حرکات و تنوین است و کلمات «ملک»، «احد» و یا «حد» وضوح بیشتری دارد. عبارت پایین، نام صاحب مهر (مصطفی بن احمد...) است. روشن نیست که صاحب مهر، کاتب نسخه بوده است یا مالک آن و یا... .

قبل از شروع متن اصلی (در دو صفحه جدا) و نیز در حاشیه برگ اول، توضیحاتی نحوی (که همه با «و اعلم» شروع می شود) داده شده و در آخر همه این توضیحات، شرح گلستان سروری نوشته شده؛ که نشان می دهد که این توضیحات از شرحی است که سروری بر گلستان نوشته است. در حاشیه برخی از برگهای این نسخه نیز توضیحاتی آمده است که به نظر می رسد از کاتب نباشد؛ زیرا خط آن متفاوت و در خاتمه هر حاشیه که از چند سطر کوتاه بیشتر نیست نام نصراله نوشته شده است و قریب به یقین، نام حاشیه نویس است.

۱- البته گفتنی است که برگ ۲ (سرآغاز نسخه اساس) ۲۲ سطری و ص دوم برگ ۵، دارای ۲۱ سطر و تا برگ ۱۰، برگهایی، ۲۳ سطری است و صفحاتی مشاهده می شود که ۲۰ سطر است؛ مثلاً برگ دوم ص ۵۲ و برگ اول ص ۵۳

عناوین، نام بابها، عنوان حکایات و ابیات شواهد با قلم قرمز نوشته شده و بدین طریق، عناوین و ... در متن نسخه، که سیاه است، مشخص شده است.

البته کاتب، عنوان حکایات را در حاشیه سطر شروع، مجدداً مشخص کرده و افتادگی‌ها را نیز با گذاشتن تیک کوچکی (√) در حاشیه همان سطر، اضافه کرده است.

شایان ذکر است که از برگ ۱۶۴ به بعد، جای عناوین حکایات و کلمه بیت (قبل از ابیات شواهد) خالی گذاشته شده (که بعداً با قلم قرمز نوشته شود) تا اینکه فقط در برگ آخر (گ ۱۹۹) قبل از ابیاتی که سراینده آنها خود سروری است، با قلم قرمز، کلمه «بیت» آورده شده و این کلمه برای آخرین بار، بعد از جمله « چون عادت شارحان، اتباع مصنفان است ما نیز گوئیم» با قلم قرمز نوشته شده و باز ابیاتی از شارح آمده و شرح با جمله زیر به پایان رسیده است:

قَدْ وَقَعَ الْفَرَاغُ مِنْ تَنْمِيقِهِ بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ يَوْمَ السَّبْتِ الثَّامِنِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ شَعْبَانَ الْمُعْظَمِ سَنَةِ إِحْدَى وَ سِتِّينَ وَ تِسْعَمَائِهِ. (اس، گ ۱۹۹، س ۷-۶)

این سرانجام نشان می‌دهد که نسخه کتابخانه مجلس سنا، اقدم نسخ خطی شرح سروری بربوستان است و در زمان حیات مؤلف (۹۶۱ هجری قمری) تحریر شده است.

این نسخه در سال ۱۳۵۴/۰۸/۱۰ شمسی، تعمیر اساسی و صحافی شده است.

۲-۳. نسخه کتابخانه ملی: این نسخه با جلد چرمی و با کاغذی که کهنه‌تر می‌نماید و به شماره ۱۸۵۷۴-۵ (مربوط به سال ۹۷۰ هجری)؛ و با مهر کتابخانه ملی و رقم ۹۷۰/۴۱۰ درج شده در بالای سمت چپ صفحه اول، دارای ۶۲۷ صفحه ۱۳ سطری است. این نسخه (که در این مقاله «مل» نامیده شده) به خط خوش نستعلیق و خوانا تحریر شده است. ابتدای این نسخه عبارتی و نامی نوشته شده و پایین آن مهری زده شده است که خوانا نیست. به احتمال قوی عبارت فوقانی آن عربی و عبارت پایین نامی است که چنین خوانده می‌شود: السید احمد نوری غلام حضرت حاجی مرام دلی (؟) قدس سره؛ که احتمالاً نام کاتب باشد. سمت چپ این عبارت نیز، نوشته‌ای که فقط «العفو الغفور» از آن خوانده می‌شود، مهر دیگری دارد که عبارتش خوانا نیست.

این نسخه، کامل تر است و اشکالات و افتادگی های صفحات، کلمات و حروف آن نسبت به نسخه مجلس، کمتر است و به نظر می رسد که کاتب آن دقیق تر از کاتبان دیگر نسخه ها بوده باشد. با توجه به این که پس از نسخه اساس، از بقیه قدیم تر است و کاستی ها و ابهامات کمی دارد (و فقط اواخر باب سوم و اوایل باب چهارم را ندارد) می تواند کمبودهای سایر نسخه ها را جبران کند.

در این نسخه نیز عنوان حکایت ها، آیات و احادیث (با اعراب گذاری) و مصراع ها و ابیات شاعران دیگر، که در متن آمده، با حرف «ع» و کلمه «بیت» (که قبل از آنها آمده) و با قلم قرمز، مشخص است.

نسخه مل از نظر اتحاد متن و رسم الخط با نسخه دانشگاه تهران، که در ذیل معرفی خواهد شد، دارای کمال قرابت است و اختلاف بسیار کم و قریب یکسان بودن دارند؛ گویی که از روی یک نسخه مادر نوشته شده باشند. جز این که از نسخه دانشگاه تهران، صفحات و ندرتاً کلمات و عباراتی از لا به لای سطور افتاده است؛ در حاشیه نسخه، معنی لغات و عبارات مشکل و توضیحات و در مواردی، ثبت نسخه های دیگر آورده شده و در پایان همه، کلمه «منه» نوشته شده است که معلوم می کند که این نوشته ها از خود کاتب است. آغاز این نسخه، برابر نمونه بالاست و تاریخ تحریرش در پایان، آمده:

قَدْ وَقَعَ الْفِرَاعُ مِنْ تَنْمِيقِ هَذِهِ النُّسخَةِ الْمَفِيدَةِ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ صَفَرِ الْمَظْفَرِ
مِنْ شَهْرِ سَنَةِ سَبْعِينَ وَ تِسْعَمَائِهِ. (مل، ص ۶۲۶، س ۱۴-۱۲)

در حاشیه پایین سمت چپ نیز بیت زیر، که به خط کاتب است، به چشم می خورد:

نوشتم بر در دیوار حاجی بماند از من مسکین خاکی

۳-۳. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی: دارای جلد چرمی مرتب و با شماره ۱۸۵۷۴ (شماره ثبت ۳۷۲۶۶)، که شماره این نسخه در کتابخانه دیجیتال مجلس شورای اسلامی ۴۰۹۸ ذکر شده و دارای ۱۹۲ برگ (۳۸۲ صفحه) ۱۹ سطری است. این نسخه (که در این مقاله «میج» نامیده شده) در سده یازدهم با خط نستعلیق کتابت شده و کاتبش نامعلوم است. البته در

حاشیه بالای سمت چپ برگ آغازین (گ ۳/۲)، این نام به چشم می‌خورد: صاحب مصطفی ابن کورد علی افندی. آغاز این نسخه نیز برابر نمونه بالاست ولی افتادگی صفحات دارد و انجامه ندارد و از اواسط باب هفتم تا آخر (بجز گ ۱۸۴، ص اول برگ‌های ۱۸۴ و ۱۹۲ و ص دوم برگ‌های ۱۹۱ و ۱۸۳) افتاده است.

در نسخه مج نیز عنوان حکایت‌ها، آیات، احادیث و نیز کلمه «بیت»، که قبل از شواهد شعری آمده، با قلم قرمز، مشخص است. در حاشیه برگ‌ها و یا صفحات این نسخه، یادداشت و توضیح کمتری دیده می‌شود.

این نسخه با نسخه اس، که معرفی شد، قرابت بسیار دارد و به ظن قوی، اس از روی مج نوشته شده است. آنچه این احتمال را قریب به یقین می‌کند این است که در بیشتر موارد، حتی افتادگی‌های حروف و کلمات این دو نسخه نیز مشترک است و مهم‌تر از آن، اینکه کاملاً مشخص است که در این بازنویسی، پاک نویسی هم کرده‌اند و کلمات و عباراتی که در اس خط زده شده، دیگر در مج نوشته نشده است.

بنابراین با وجود کمال اشتراک و مشابهت بین این دو نسخه، خیلی از اشتباهات، خط خوردگی‌ها و افتادگی‌های اس، در نسخه مج دیده نمی‌شود.

شایان ذکر است که منزوی مشخصات این نسخه را در فهرست نسخه‌های خطی فارسی آورده است. (منزوی، ۱۳۵۱: ۳۴۵۴)

۳-۴. نسخه شماره ۵۷۶۳ (مربوط به سال ۱۲۷۲) کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (بخش دیجیتال): با جلد چرمی (پشت جلد کاغذی) به نستعلیق خوش خط و صفحه آرایی زیبا و سطور منظم موازی و با کمترین خط خوردگی‌ها و اضافات نسبت به دیگر نسخه‌هاست (با اندازه ۲۲×۱۶). تاریخ تصویربرداری آن بهمن ۸۹ است. این نسخه (که در این مقاله «دت» نامیده شده)، ۲۴۱ برگ (۴۸۲ صفحه ۱۵ سطری) دارد. برگ‌هایی از (اوایل، اواسط و اواخر) این نسخه نیز افتاده است. در حواشی برگ‌های این نسخه نیز ثبت نسخه‌های دیگر و در کنار بعضی سطور، توضیحاتی آمده است که تا اندازه‌ای کمتر از توضیحات نسخه‌های مجلس و کتابخانه ملی است.

همچنین عنوان حکایت‌ها و کلمه «بیت»، که قبل از شواهد شعری آمده، با قلم مایل به قهوه‌ای (متفاوت بارنگ متن) مشخص است. همانطور که قبلاً گفته شد، این نسخه، کمترین اختلاف‌ها را در متن و رسم الخط با نسخه مل دارد.

در پایان این نسخه نیز تاریخ اتمام تحریر آمده است:

قَدْ تَمَّتِ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ فِي يَوْمِ آدِينِهْ هَشْتَمِ شَهْرِ جَمَادِي الْآخِرِي سَنَهْ ۱۲۷۲ (دت، ۲۴۱/۲، س ۱۵).

شایان ذکر است که هر یک از چهار نسخه شرح بوستان سروری را (که معرفی شد) بازخوانی کرده و بالای تمامی نوشته‌هایی را که کلمات خود بوستان (و سخن خود سعدی) است خط کشیده‌اند و بدین طریق از شرحی که سروری بدین ابیات نوشته است، سوا کرده‌اند.

۳-۵. نسخ دیگر: شایان ذکر است که احمد منزوی مشخصات دو نسخه دیگر شرح سروری را نیز در فهرست نسخه‌های خطی آورده است که یکی از آنها دارای صفحات کمتر (۱۲۰گ) و نسخه‌ای ناقص است و نگارنده از طریق نامه دانشگاه آزاد تبریز به وزارت ارشاد و پیگیری‌هایی که برای گرفتن کپی آن نسخه‌ها داشت، به نتیجه‌ای نرسید.^۱ در اینجا فقط به نقل منزوی درباره آن دو نسخه اکتفا می‌شود:

۳۷۲۶۷- مدینه، عارف حکمه ۱۶: ۱۲۰گ [نسخه‌ها ۵: ۴۹۴].

۳۷۲۶۸- قاهره، دارالکتب ۲۳ ادب فارسی: نستعلیق، بی تاریخ، آغاز برابر نمونه. ۲۰۰گ ۲۱س [مخطوطات ۱: ۳۱۴]. (منزوی، همانجا)

۴- نقد و بررسی مختصات و رسم الخط نسخه‌ها

شیوه خط نسخه‌ها با شیوه نگارش امروز تفاوت‌هایی دارد. به بعضی از این تفاوت‌ها که مهم هستند و در نسخه‌های خطی تا قرن دهم هجری بیشتر نمود دارند، اشاره می‌شود.

۱- اوضاع مصر و عربستان و روابط آن دو کشور با ایران هم در یک سال گذشته در عقیم ماندن آن تلاش‌ها بی‌تأثیر نبود.

۴-۱. اسلوب نگارش یای وحدت

یای وحدت به صورت‌های زیر کتابت شده است:

۴-۱-۱. آوردن «ء» به جای «ای» در کلمات مختوم به «ها» ی غیرملفوظ:

مثال ۱: وزیر اندرین شَمَّه راه برد: وزیرکهن درین حال یک شَمَّه راه برد. (اس، گ ۲۱،

س ۸) و (مج، گ ۲۷، س ۱۷)

کتابت یای وحدت به صورت مذکور، بعضاً مشکلاتی در خوانش به وجود می‌آورد؛ به طوری که در مواردی دقیقاً نمی‌شود گفت که «ء»، یای وحدت و نکره و ... است یا اصلاً خود کلمه، مضاف است:

مثال ۲: پس از این در باب نفاق، قاعده کلیه بیان کرد. (اس، گ ۲۱، س ۱۲) یعنی قاعده‌ای کلیه البته در بیشتر موارد به قرینه محور همنشینی در جمله، وزن شعر و... مشخص است که یای وحدت، نکره و ... بدین صورت آمده است:

مثال ۳: ز ابر افکند قطره سوی یم؛ به معنی دریاست.

... آورد نطفه در شکم. (اس، گ ۴، س ۴) و (مل، ص ۱۱، س ۵) که مسلماً قطره‌ای و نطفه‌ای خوانده می‌شوند و مطابق سبک و رسم الخط نسخه به صورت مذکور نوشته شده‌اند.

مثال‌های دیگر: افکنده؛ به جای: افکنده‌ای (اس، گ ۲۵، س ۳) / سجاجج (۳) / نظر کرده / گسترده؛ نظر کرده‌ای / گسترده‌ای (همان، س ۸ و ۹) / سرچشمه؛ سرچشمه‌ای (اس، گ ۲۷، س ۷) / دیده / پرسیده؛ دیده‌ای / پرسیده‌ای (همان، س ۱۷ و ۱۸) / رنجه؛ سرپنجه؛ رنجه‌ای / سرپنجه‌ای (مل، ص ۳۰، س ۷-۵) / خواهنده؛ خواهنده‌ای. (دت، گ ۷۱، س ۱۴)

۴-۱-۲. کلمات مختوم به یای مصدری، وحدت و ... با یک «ی» نوشته شده و به صورت «ای» و «یی» خوانده می‌شود:

مثال ۱: چو حالش شد از بینوای: مراد اینجا از نوا، غنا و رونق حال است؛ تباہ. (اس، گ ۱۶، س ۱۰) یعنی از بینوایی

مثال ۲: به دریوزه آورده ام دست پیش؛ گدای می‌کنم. (اس، گ ۲۸، س ۱۲) یعنی: گدایی می‌کنم.

- مثال ۳: گدای (مل، ص ۲۶، س ۶) یعنی: گدایی
- البته نسخه مل و دت، در این مورد همیشه با اس یکسان نیست و گاهی امروزی تر است؛ مثال‌های زیر و مقایسه کتابت اس با نسخه مذکور گواه این مدعاست:
- مثال ۴: ید ظلم جای که گردد دراز (اس، گ ۳۲، س ۹) یعنی جایی که... مل و دت: جایی (مل، ص ۱۰۲، س ۸)
- مثال ۵: ز فرخنده خوی نخوردی بگاه (اس، گ ۵۹/۲، س ۱) یعنی: ز فرخنده خویی.
- مل و دت: فرخنده خوبی (مل، ص ۱۹۹، س ۲)
- ۳-۱-۴. گاه در همین کلمات، یاء وحدت و... به شکل مرسوم در روزگار ما یعنی به صورت «ئی» و «یی» آورده شده است:
- مثال ۱: نه آن ظلم بر روستائی بماند (اس، گ ۳۵، س ۱۰)...روستایی... (دت، گ ۴۳/۱، س ۱۰)
- مثال ۲: حکایت پادشاه غور با روستایی (مل، ص ۱۴۳، س ۹)
- ۴-۱-۴. گاهی به صورت «ی» آمده است:
- مثال ۱: نه آن شوکت (ساختگی لشکر و) پادشای؛ با حرف یاست؛ تا قافیه راست شود. (اس، گ ۳۵، س ۱۰)
- در این مثال، پادشایی (که با روستائی قافیه شده) به صورت پادشای آمده است. در مل و دت، پادشایی آمده. (مل، ص ۱۱۲، س ۹-۸)
- نکته: در بعضی موارد، دو نقطه زیر «ی» مشاهده می‌شود:
- مثال ۱: ملک رانی (اس، گ ۱۵، س ۴)
- مثال ۲: نه آن ظلم بر روستائی بماند (اس، گ ۳۵، س ۱۰)
- مثال ۳: بوستانی (اس، گ ۳۷/۲، س ۲)
- مثال ۴: حکایت پادشاه غور با روستایی (مل، ص ۱۴۳، س ۹)
- مثال ۵: ...همی گفت (مل، ص ۱۴۴، س ۱۲)

۲-۴. هم‌شکلی نوشتاری برخی از حروف

حروف «پ»، «چ» و «ژ» در بیشتر موارد و حرف «گ» در تمام موارد به صورت ب، ج، ز، ک آمده‌اند:

مثال ۱: کَلستَان جنان عارفان ... (اس، گ ۲، س ۲) که گلستان به صورت کَلستَان آمده است.

مثال ۲: کم به ضم کاف عجمی است... (مل، ص ۱۶، س ۱۳) و (دت، ص ۷، س ۱۲)

مثال ۳: یکی بر سر شاخ و بن می‌برید: کسی در بوستانی به بالای شاخی نشست و بن آن شاخ می‌برید. (اس، گ ۳۷، س ۲)

در این مثال، پزید با بای عربی و به صورت برید آمده است.

هم‌شکلی نوشتاری برخی از حروف به هم‌شکلی واژه‌ها، حرف ربط و... منجر می‌شود و مشکلاتی را در خواندن به وجود می‌آورد:

مثال ۴: این بند دیگر است: ز بیگانه پرهیز کردن نکوست (اس، گ ۱۶، س ۲)... باز بند دیگر

گوید... (همان، س ۱۴)

در این مثال، شاید در نظر اوّل، کلمه مورد نظر، «بند» فهمیده شود؛ اما قراین کلام و حال و هوای کلّ متن، ما را مطمئن می‌کند که مثل موارد مشابه دیگر، بند است و این شیوه خطّ مربوط به سبک نسخه‌هاست.

مثال ۵: بترس از زبردستی: قوی کشتن روزگار (اس، گ ۴۰/۲، س ۴)

در مثال مذکور، چون کشتن با کاف عربی نوشته شده و در کنار کلمه قوی قرار گرفته است، کشتن را به ذهن متبادر می‌کند.

مثال ۶: برآر از نهاد بدنیش گرد: بدانکه اشارت غبار کنایت از انتقام است. (اس،

گ ۵۲/۲، س ۱۰)

در این صورت، کلمه بدانکه، شاید برای بعضی شبهه‌انگیز باشد: بدان که یا بدانگه یا

بدانگه؟

مثال ۷: چه خوش گفت کرکین؛ به ضمّ کاف اوّل ی و کسر ثانیه: نام شخصی است و در

بعض نسخ کردی، واقع شده. (اس، گ ۵۵، س ۱). در این مثال نیز ممکن است کلمه گردی،

گردی (با کاف فارسی) خوانده شود؛ یعنی با یای وحدت یا نکره به معنی یک کرد (فردی از کردان)؛ در حالی که در اینجا، گردی (با کاف فارسی) است به معنی پهلوان و دلیری.

نکته: جالب است که در نسخه‌های شرح بوستان، عکس این ویژگی رسم الخطی، که از مختصات اکثر نسخ متقدم است، نیز در کتابت کلماتی که حرفی چون «ب» و «ج» دارند، مشاهده می‌شود. بعضاً کلماتی، که در فارسی با حرف «ج» تلفظ می‌شوند، با حرف «چ» و کلماتی، که با حرف «ب» تلفظ می‌شوند، با «پ» آمده‌اند:

مثال ۸: وگرنده چاپک نیاید به کار (اس، گ ۳، س ۱۵)؛ چاپک را چاپک ضبط کرده است.

مثال ۹: هر چند که جوهر باشی چنین جوهر و سنگ... (اس، گ ۳۸/۲، س ۵)؛ جوهر به صورت جوهر آمده است.

مثال ۱۰: از ناتوانان پنجه می زدم. (مل، ص ۱۳۱، س ۱)؛ پنجه به صورت پنجه آمده است.

مثال ۱۱: پنجه: مخفف از پنجاه است. (مل، ص ۱۷۶، س ۷)

۳-۴. پیوسته و ناپیوسته نوشته شدن کلمات، حروف و نشانه‌ها:

۱-۳-۴. نشانه نفی (= ن = نه) پیش از افعال، گاهی ناپیوسته می‌آید:

مثال ۱. بر کس نه بست (اس، گ ۳، س ۱۹). مل و میج: نیست. (مل، ص ۶، س ۱) و (میج، ص ۲، س ۱۷) در نسخه دت نیز گاهی این نشانه نفی، ناپیوسته آمده:

مثال ۲: الا تا نه پیچی سر از عدل و رای (دت، گ ۱۶/۲، س ۵)

مثال ۳: که مردم ز دستت نه پیچند پای: که مردان از دست تو و از حکمت، پای را نه پیچند. (همان، س ۶-۷)

البته در نسخه «اس» در بیشتر موارد، پیوسته است:

مثال ۴: چون مراد بدان پیدا نباشد به ترکی تعبیر. (اس، گ ۱، س ۱۹)

مثال ۵: نماوند: به فتح دو نون... به سبب عصیان در حبس نماوند. (اس، گ ۷، س ۱)

۲-۳-۴. «ب» قبل از فعل مضارع و فعل امر و بای زینت جدا نوشته شده است:

مثال ۱: به بندنند بر وی در... : (اس، گ، ۵، س ۱۵) و (مج، گ، ۸، س ۱۲) مل و دت: ببندنند.
(مل، ص ۱۵، س ۲)

مثال ۲: به ببخشای (اس، گ، ۲۵/۲، س ۱۰) و (اس، گ، ۵۲/۲، س ۱۷). مل و دت: ببخشای.
(مل، ص ۸۱، س ۲)

مثال ۳: زبان همه حرف گیران؛ طعنه زنان به بست. (مج، گ، ۲۶/۲، س ۷). مل و دت: ببست.
(مل، ص ۶۴، س ۱)

همانطور که دیدیم، برخلاف کاتبان نسخه‌های اس و مج، که تمایل غالب بر ناپیوسته نویسی داشته‌اند، کاتبان نسخ مل و دت (که به شیوه خطی امروزی نزدیک ترند) پیوسته نوشته‌اند.

۳-۳-۴. بای حرف اضافه معمولاً پیوسته است:

مثال‌ها: بعزیزی سر بتافت... (اس، گ، ۲/۲، س ۱۶-۱۵) / بفتح خا میجباید خواند. (اس، گ، ۵۲/۲، س ۱۹) / به تنها مده جان شیرین بیاد (اس، گ، ۵۳، س ۶) / و گر پیش دستی: اگر مبادرت بچنگ کند. (همان، س ۱۴)

و به ندرت بای حرف اضافه جداست که آن موارد نادر هم در دیگر نسخه‌ها پیوسته است:
مثال‌ها: به شمشیر (اس، گ، ۵۳، س ۲). مل و دت: بشمشیر (مل، ص ۹۸، س ۷)

۴-۴. ضمائر متصل اغلب جدا و با الف نوشته شده است:

مثال‌ها: مرگ‌اش (اس، گ، ۱۸، س ۱۲) / آستین‌اش (اس، گ، ۱۹، س ۱۰) / اصل‌اش (همان، س ۱۴)

دیگر نسخ چنین نیستند و پیوسته و بدون الف نوشته شده‌اند.

۵-۴. کلمات مرکب معمولاً جدا نوشته شده‌اند:

مثال ۱: بر اصحاب و بر پی روان تو باد (اس، گ، ۷، س ۶) به جای پیروان
مثال ۲: مگر باز گویند صاحب دلان (اس، گ، ۹، س ۱۰) به جای صاحب‌دلان

مثال ۳: سال خورد (اس، گ ۵۲/۲، س ۱۸) به جای سالخورد

مثال ۴: از آن سنگ دل، دست گیرد به سیم (اس، گ ۶۰/۲، س ۱۰) به جای سنگدل

در مل و دت تمامی این کلمات مرکب، پیوسته نوشته شده اند:

مثال ۵: سنگدل (دت، گ ۴۳، س ۷-۵)

مگر این که مانند نمونه اخیر پردندانه باشند:

مثال ۶: پیش بین (مل، ص ۴۳، س ۱۲)

۶-۴. بخشی از کلمه بسیط یا در حکم بسیط در انتهای سطر و بخش دیگرش در آغاز سطر بعد آمده است:

در نسخ مل و دت، چنین مواردی خیلی کم و انگشت شمار است ← مثال ۵ همین بند) ولی در اس به وفور دیده می شود. در مج نیز رؤیت می شود:

مثال ۱: برعایت چنین آورده شده است:

... تا که بر

عایت... (مج، گ ۳/۲، س ۳-۲)

مثال ۲: کلمه بدنیش چنین آورده شده است:

به تدبیر جنگ بدنند

یش کوش (اس، گ ۵۷/۱، س ۱۵-۱۴)

مثال ۳: که ستر خدایت بود پر

ده پوش (اس، گ ۵۸، س ۱۹-۱۸)

مثال ۴: گر او می برد پیش آتش سجود که مذ

هب او بود. (اس، گ ۶۰، س ۳-۲)

در مثال های ۴ و ۳ نیز پرده پوش و مذهب، تقطیع شده است.

مثال ۵: .. زندان یکسا

عتست. (مل، ص ۱۶۱، س ۷)

شاید این اشکالات، ناشی از تسلط نداشتن نسّاخان و کاتبان بر متن و نسخه برداری صِرف آنان باشد.

۴-۷. آوردن همزه به جای یا در کلمات مختوم به الف و الف ممدوده (اء):

این کلمات در اضافه شدن به صورت «اء» می آید:

مثال ۱: چون دعاء دنیوی کرد، پس از این، دعاء اخروی کرد. (اس، گ ۱۱، س ۹)

مثال ۲: ... یعنی خلق جهان رحمت و دعاء خیر هدیه کنند به قبرش. (اس، گ ۱۵، س ۷)

مثال ۳: لاجرم در اجراء احکام تأمل می باید. (اس، گ ۲۰، س ۸)

دیگر نسخ نیز چنین است:

مثال ۴: از اقتداء رسول الله علیه السّلام برفتند. (دت، گ ۷، س ۱۴)

۴-۸. آوردن جمله تحیّت در صورت‌های متفاوت:

علیه السّلام به چند صورت آمده؛ که در اکثر موارد به صورت «ع» کوچک و «م» آمده است:

مثال ۱: ابراهیم (ع م) (اس، گ ۵۹، س ۱۷) / خلیل (ع م) (اس، گ ۵۹/۲، س ۱)

و در مواردی هم به همان صورت اصلی؛ یعنی علیه السّلام آمده است:

مثال ۲: مراد رسول الله، علیه السّلام است. (اس، گ ۵، س ۱۸-۱۷)

مثال اخیر در نسخه دت چنین آمده است:

مثال ۳: مراد رسول، صلّ الله علیه السّلام است. (دت، گ ۷، س ۱۱)

این مثال فقط یک مورد دیده می شود که به احتمال زیاد، سهو کاتب نسخه دت است.

۴-۹. آوردن «می» استمراری به صورت پیوسته و ناپیوسته:

«می» پیش از فعل در نسخه اس (در بیشتر موارد) جدا نوشته شده:

مثال ۱: ... نمی کند. (اس، گ ۳، س ۸)

مثال ۲: ... می باید خواند. (اس، گ ۵۲/۲، س ۱۹)

و گاهی پیوسته نوشته شده:

مثال ۳: ... بیان میکند. (اس، گ، ۴، س ۱۷)

مثال ۴: ... میباید خواند. (اس، گ ۵۹/۲، س ۱۰)

در نسخه مل، به ندرت پیوسته ولی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، جداست:

مثال‌ها: نمی‌کند (مل، ص ۵، س ۱) / می‌کند (همان، ص ۱۱، س ۱۳) / می‌فرماید (همان،

ص ۱۴، س ۳)

نمی‌باید (همان، ص ۲۴، س ۱۰)

در نسخه دت (که گرایش غالب بر پیوسته نویسی است) در بیشتر موارد، پیوسته است:

مثال ۱: نه ذکر جمیلش نهان می‌رود؛ یعنی ذکر جمیلش نهان نمی‌رود.

که صیت کرم در جهان می‌رود (دت، گ ۱۰، س ۲-۳)

مثال ۲: می‌گوید. (همان، گ ۱۱، س ۳)

و در مواردی نیز جداست:

مثال ۳: نمی‌باید. (گ ۱۸/۲، س ۴)

۱۰-۴. حذف حروف و نشانه‌ها:

۱۰-۱-۴. حذف «ها» ی غیر ملفوظ:

سبب این امر، خلط ناشی از الحاق «ها» ی جمع به اسم‌های مختوم به «ه» مختفی است:

مثال ۱: پردهای (اس، گ ۵/۲، س ۱۳)، (دت، گ ۷، س ۹) و (مل، ص ۱۶، س ۱۰)

مثال ۲: پارهای (اس، گ ۱۹، س ۶) و (مل، ص ۵۹، س ۳)

مثال ۳: سرچشمهای (اس، گ ۳۳/۲، س ۹)، (مل، ص ۱۰۷، س ۱۱) و (دت، گ ۴۰، س ۱۳)

مثال ۴: که می‌گفت در روضها می‌چمید (اس، گ ۵۹، س ۷) و (مل، ص ۱۹۷، س ۱۲)

که کلمات پرده‌های، پاره‌های، سرچشمه‌های و روضه‌ها، بنا به سبک و شیوه خط رایج

تا قرون پیشین، بدون‌های غیرملفوظ نوشته شده‌اند.

۲-۱۰-۴. حذف همزه فعل:

معمولاً در زنجیره کلام، همزه فعل حذف شده است:

مثال ۱: بدندیش (اس، گ ۲۳، س ۵) و (همان، گ ۵۲/۲، س ۱۰)

که مطابق سبک نسخه، «ا» از آغاز فعل «اندیش»، حذف شده است. امروزه بدین صورت

نوشته می شود: بداندیش

اما در نسخ مل و دت این همزه، حذف نشده است.

مثال ۲: به تدبیر جنگ بد اندیش کوش (مل، ص ۱۹۱، س ۴)

مثال ۳: بد اندیش تست آن جگرخوار خلق (دت، گ ۱۷، س ۱۲)

همزه «است» نیز در همه نسخه ها، در زنجیره کلام معمولاً حذف شده است:

مثال ۴: تو گویی به چشم اندرش منزلت؛

یعنی در چشم منست منزل او

دگر دیده بر هم نهی در دلست

(اس، گ ۸۰، س ۴-۳)

مثال ۵: سرخوشست. (مل، ص ۲۵۷، س ۹)

مثال ۶: بهر طاعت که نزدیک صوابست (اس، گ ۱۹۹، س ۱۹) و (مل، ص ۶۲۶، س ۴)

گاهی نیز حذف نشده است:

مثال ۷: ... و تیغ عطف است بر قلم. (اس، گ ۵۵، س ۱۹)

۳-۱۰-۴. «ا» در آغاز کلماتی مانند این و ایشان نیز در زنجیره کلام معمولاً حذف می شود:

مثال ۱: بمردم درین موج دریای خون (اس، گ ۵، س ۱۸)

مثال ۲: نرفتم درین مملکت منزلی (اس، گ ۱۹/۲، س ۲)

مثال ۳: بدنجا (اس، گ ۵/۲، س ۱۳) و زنجا (همان، س ۱۴)

مثال ۴: درینجا (مل، ص ۱۶، س ۸) و (دت، گ ۷، س ۷)

که در اس، همزه «در این»، «بدانجا» و «وزانجا» و نیز در مل و دت، همزه «در اینجا» حذف

شده است.

۴-۱۰-۴. حذف و جابجایی نقطه و نشانه مدّ و شدّ:

۱-۴-۱۰-۴. مواردی به چشم می خورد که در نقطه گذاری مسامحه شده است:

مثال ۱: «ستیر» در بیت زیر، که با «خیز» قافیه شده است:

چه شبها درین فکر بودم ستیر (و مجد گشته) که حیرت گرفت آستینم که خیز

(اس، گ، ۴، س ۱۰-۹)

دیگر نسخه ها: ستیز (دت، گ ۶/۲، س ۱۱۱-۱۰)

مثال ۲: در این بیت (از مثنوی معنوی) در نسخه اساس، حرف های «ق» و «چ» در قعر چه نقطه ندارد:

قعر چه بگزید هر کو عاقل است زانکه در خلوت صفاهای دل است

(اس، گ ۳۱، س ۱۰)

مثال ۳: ... مرد مشهور است در سطرنج بازی. (اس، گ ۶۰/۲، س ۱۵)

حرف «ش» در کلمه سطرنج، بدون نقطه است.

مثال ۴: سمیلان: فقیر... (اس، گ ۸۷، س ۲)

در این مثال نیز «ی» سمیلان بدون نقطه نوشته شده است.

با این که نسخه های دیگر بخصوص مل و دت چنین نیستند ولی در آنها نیز مسامحه در نقطه گذاری مشاهده می شود:

مثال ۴: س از پادشایی، گدایی کنی (مل، ص ۱۱۴، س ۲-۱)

در این مثال، یای اول پادشایی و گدایی بدون نقطه است.

مثال ۵: دیوسار: سیطان مانند (مل، ص ۱۴۹، س ۱۱)

شیطان بدون نقطه «ش» آمده است.

۲-۴-۱۰-۴. در مواردی نادر، نقطه در جای خودش نیست و یا نقطه یا نقاطی زاید بر نقطه

های کلمه (که اگر سهو کاتب نباشد، شاید برای تزئین خط می آورده اند) دیده می شود (در

نسخ دیگر، در خور توجه نیست ولی در نسخه مل، ندرتاً به چشم می خورد):

مثال ۱: ... و اگر به ذات آفتات نگاه کند چشمش خیره و تیره شود. (مل، ص ۱۴، س ۱۲) که نقطه

«ت» در پایین است.

مثال ۲: روستایی با یک نقطه زاید روی «ی» اوّل آمده است. (مل، ص ۱۴۳، س ۹)
 مثال ۳: بیست (مل، ص ۱۵۰، س ۱۰) که نقطه ای پایین «ت» گذاشته شده است.
 مثال ۴: سخن در صلاح‌حسب و تدبیر و خوی (مل، ص ۴۲۶، س ۱)
 حرف «ت» فاقد نقطه است و نقطه ای پایین «ت» گذاشته شده است.
 ۳-۴-۱۰-۶. «آ» اغلب در نسخه‌های اس و میج و بعضاً در نسخه‌های مل و دت، بدون کلاه آمده است:

مثال ۱: زیرا عزّت از ان اوست (اس، گ ۱، س ۱۷) و (مل، ص ۴، س ۲)
 مثال ۲: پس از ان در تحمید شروع کرد (میج، گ ۳، س ۸)
 مثال ۳: چو آوازه رسم: این بد بشنوند (اس، گ ۱۵، س ۱۷)
 مثال ۴: به دل گفتم از مصر قند اورند (مل، ص ۲۳، س ۱۰)
 مثال ۵: یکی را در اغوش داشت... اغوش... (دت، گ ۲۵/۲، س ۶-۵)
 البته گاهی هم با کلاه آمده است. در مثال زیر که از برگ اوّل نسخه اساس انتخاب شده است به هر دو صورت آمده است. اما در برگ مذکور، متفاوت با کلّ نسخه، آ اغلب با کلاه آمده است:

مثال ۶: جان آفرین: وصف ترکیب است. معنیش به ترکی: جان یرادجی. بدانکه لفظ آفرین کلمه تحسین است و امر است از آفریدن و وصف ترکیبی باشد در بعض تراکیب و گاهی در افراد. و نیز وصف شود چنانکه در آخر مصراع آخر.

سخن گفتن اندر زبان آفرین: مضمون این مصراع وصف اوست و در بعض نسخ حکیم سخن در زبان افرین و در بعض نسخ، این بیت چنین واقع شده:

به نام خدایی که جان افرید سخن گفتن اندر زبان آفرید

(اس، گ ۱/۲، س ۱۰-۵)

۱۱-۴. آ با کلاه («ا» با مدّ روی آن)، که معمولاً جایش آغاز کلمه است، در وسط و در مواردی در پایان کلمه آمده است. (در نسخه مل فراوان است و در دیگر نسخه ها، یافت نشد):

مثال‌ها: بدرگاهش (مل، ص ۴، س ۱۱) / رباعی (مل، ص ۹۶، س ۵) / حکایت (همان، س ۱۲) / مدارآ (مل، ص ۱۷۱، س ۶) / باشد (مل، ص ۱۸۶، س ۶)

۱۲-۴. ندرتاً دال به صورت ذال آمده و این در متون قدیم، سابقه دارد:

مثال ۱: ز صلب: مراد استخوان پشت پذیر است. (مل، ص ۱۱، س ۵)

مثال ۲: ای برادر... (مل، ص ۴۲۲، س ۱۲)

۱۳-۴. در نسخه‌ اس، کاتب در نقل عبارات و یا امثال عربی، هر از گاهی به جای حرف تـای گرد عربی (ة)، در آخر واژه ها، تـای دونقطه (ت) آورده است که شاید ناشی از غلبه سیاق فارسی نویسی باشد:

ای نبی و السلام (اس، گ ۷/۲، س ۱۲) 'مثال ۱: علیک السّلات

مثال ۲: ... و شابّ نشأ فی عبادت الله ... (اس، گ ۳۵، س ۱۴)

مثال ۳: الدّنیـا مزرعۀ الاخرت (اس، گ ۶۲/۲، س ۱۲)

مثال ۴: ... بلکه مناجات بی بضاعت مزجات باعث شفقت شود. (اس، گ ۱۹۹، س ۱)

که در نسخه های دیگر چنین نیستند و به صورت الصلوة (مج، گ ۱۱، س ۱۱)، عباده (مل، ص ۱۱۳، س ۱)، الاخره (مل، ص ۱۰۰، س ۸) و مزجاء (دت، گ ۲۴۸، س ۸) آمده اند.

۵- اشکالات کاتب

۱- ۵. کلماتی که به علت کم سواد کاتب نسخه اس، غلط و بعضاً نابجا منفصل نوشته شده است:

مثال ۱: حافظ تو باد (اس، گ ۱۰، س ۱۶) مج نیز چنین است. مل و دت: حافظ (دت،

گ ۱۲/۲، س ۹)

مثال ۲: درشت: غلیض (اس، گ ۴۰، س ۱۰)، (اس، گ ۴۶، س ۱۴) و (مج، گ ۴۴/۲، س ۱)،

(مج، گ ۵۰/۲، س ۶)

۱- حرف «ص» کلمه صلاة نیز به املائی غلط (با حرف س) کتابت شده است.

مثال ۳: بر ابروی عابد فرییش خطاب... مراد از خطاب آنست... (اس، گ ۴۷، س ۱۸-۱۷) و (میج، گ ۵۳/۲، س ۸)

نکته: مثال‌های ۳ و ۲ نیز در مل و دت به املائی درست کتابت شده‌اند: غلیظ (دت، گ ۴۹/۲، س ۱)

خطاب (دت، گ ۵۸/۲، س ۱۴-۱۳) و (مل، ص ۱۵۷، س ۸)

مثال ۴: ز هر نوع اخلاق او کفش کرد. (اس، گ ۲۰، س ۱۵) در دیگر نسخه، چنین نیست. (میج، گ ۲۶، س ۱۶)

مثال ۵: رنجیده گی (اس، گ ۲۱، س ۱۳) / سفرکرده گان / آسوده گی (اس، گ ۵۳/۲، س ۱۲) این کلمات نیز در نسخه‌های دیگر بدون اشکال و به صورت‌های صحیح کتابت شده است:

رنجیدگی (میج، گ ۲۶/۲، س ۶) / سفرکردگان (مل، ص ۶۶، س ۸) / آسودگی (دت، گ ۶۶، س ۱)

مثال ۶: بیگان گانش (اس، گ ۳، س ۱۳) / نه تیجه (اس، گ ۲۴، س ۱۴)

این مثال‌ها هم در دیگر نسخه‌ها به صورت صحیح آمده‌اند: بیگانگانش (میج، گ ۴، س ۶) / نتیجه (دت، گ ۱۹، س ۳)

۲-۵. اشکالاتی که ظاهراً ناشی از اشتباهات شنیداری حین نسخه برداری است:

شماری از نسخه برداران به کمک یک خواننده متن، کار می‌کرده‌اند؛ در نتیجه اشتباهات و خط‌اهای عدیده‌ای ناشی از تسلط نداشتن خواننده یا نسخه بردار بر متن و یا متأثر از لهجه خواننده و یا حتی به وجود آمدن وقفه در سیر تداول کتابت پیش آمده است.

مثال ۱: نَصَرَ اللهُ اَزهَارَ وِجودِهِمَا وِ اَجْرًا اِنْهَارَ وِجودِهِمَا (اس، گ ۲، س ۹)

مثال ۲: کوشتن (اس، گ ۱۵، س ۵)

مثال ۳: ز خوردان اطفالش؛ در بعض نسخه: ز طفلان خوردیش (اس، گ ۳۹/۲، س ۱۸-۱۷)

مثال ۴: برو همت از ناتوانان بخاه (اس، گ ۵۷، س ۱۲)

مثال ۵: ... یعنی نداء الست و بربکم... (اس، گ ۸۰/۲، س ۱۳)

پنج مثال مذکور نیز در نسخه‌های مل و دت به املائی صحیح کتابت شده‌اند که به ذکر دو نمونه از آنها بسنده می‌شود:

... أُجری انهار جودهما (مل، ص ۱، س ۱۱)

... یعنی نداء الست بریکم... (دت، گ ۱۰۰، س ۷)

واضح است که در این مثال‌ها املائی صحیح، به ترتیب، چنین است: أُجری، کشتن، خردان و خردیش، بخواه و الست.

گفتنی است که در بیشتر نسخه‌های خطی این دوره، از این نوع اغلاط املائی و نگارشی دیده می‌شود.

۳- ۵. تغییرات و تصحیفاتی که از کم سواد یا از سهو و بی‌دقتی نسخه بردار ناشی شده است: مثال ۱: از جمله ازهر است رسول الله... (اس، گ ۶/۲، س ۴). نسخ مل و دت، ارهاصات آورده (دت، گ ۸، س ۵) و قراین معنایی جمله نیز ارهاصات را به معنی خوارق عادت که از نبی پیش از ظهور، ظاهر شود؛ مثل نوری که در پیشانی آبا و اجداد پیغامبر (ص) لایح بود ← (دهخدا، ۱۳۲۸: ۱۹۳۳) کاملاً تأیید و ما را مطمئن می‌کند که این کلمه نمی‌تواند چیزی جز این باشد. مثال ۲: ... جبرئیل از او بازماند (اس، گ ۶/۲، س ۱۳)

نسخه‌های مل و دت (دت، گ ۸، س ۱۳) و نیز وزن مصراع، شکی باقی نمی‌گذارد که جبرئیل (مخفف جبرئیل) درست است.

مثال ۳: به راه تکلف مرو سعدیا (به خود، خطّ اب می کند) اگر صدق داری بیا و بیار (اس، گ ۱۲، س ۱۹)

در این بیت، کلمات قافیه (سعدیا و بیا) جایی برای شک نمی‌گذارد که نسخه بردار دچار خطّا شده و جای بیار و بیا را عوض کرده است.

در نسخه‌های مل و دت، مصرع دوم این بیت را چنین است:

اگر صدق داری بیا و بیا (مل، ص ۳۷، س ۱۳)، (دت، گ ۱۴/۲، س ۵)

ضبط‌های این دو نسخه نیز می‌تواند قابل توجیه باشد.

۴-۵. به سبب مشابهت شکل حروف، تصحیفاتی در خطّ به چشم می‌خورد:

مثال ۱: تکذذات (اس، گ ۱۴/۲، س ۲)

چنین کلمه‌ای وجود ندارد و مسلماً تلذذات درست است و نسخ دیگر نیز تلذذات آورده است (مل، ص ۴۶، س ۸).

مثال ۲: خدمتگذار (اس، گ ۱۶/۲، س ۶) و (همان، گ ۱۹، س ۱۱-۱۰)، خدمت گذار (مل، ص ۵۹، س ۸) و (دت، گ ۲۲، س ۱۵)

واضح است که خدمتگزار درست است. (گزاردن به معنی ادا کردن و بجا آوردن)

مثال ۳: مبقبض؛ که تصحیف منقبض است. (اس، گ ۴۹، س ۱۴)

۵-۵. افتادگی حرف و کلمه:

۱-۵-۵. افتادگی حرف:

افتادگی حرف و یا حرف‌هایی از یک کلمه، در نسخه‌ اس خیلی زیاد، در نسخه‌ مج، نسبتاً کم و در نسخ مل و دت، بمراتب کمتر است:

مثال ۱: جوانمرد و خوش خوی هر دِ صف ترکیبی است (اس، گ ۱۸، س ۳). حرف «و» از کلمه دو افتاده است.

مثال ۲: چهره من همچون ری ایشان گلرنگ بود (اس، گ ۲۴، س ۹). حرف «و» از کلمه روی افتاده است.

مثال ۳: بازرگا (اس، گ ۳۳، س ۱۷) بازرگان است و حرف ن از آخرش افتاده است.

مثال ۴: اقوی (اس، گ ۳۳/۲، س ۱) ای حرف ندا و قوی مناداست که «ی» از حرف ندا، افتاده است. مج نیز چنین است. (مج، گ ۳۶، س ۱۴)

مثال ۵: در کنه خدای تعالی فکر نمی باید کر... (مل، ص ۱۴، س ۱۰)

حرف دال از فعل «کرد» افتاده است.

مثال ۷: که دلتنگ بینی رعیت ز شاه: که ضیق القلب بینی رعا را از پادشاه (دت، گ ۱۶، س ۱۴)

رعا؛ رعایاست که هجای آخر آن (یا) افتاده است.

۲- ۵- ۵. افتادگی کلمه:

بر خلاف حروف افتاده، کلمات افتاده معمولاً در حاشیه نسخ، اضافه شده اند. موارد کمی هم هست که کلمات ساقط شده، در حاشیه آورده نشده و از قلم افتاده است: مثال ۱: به قامت صنوبر به رخ آفتاب: یعنی قامت و خورشید صورت (اس، گ ۲۳، س ۴) که قبل از کلمه قامت، کلمه بلند، افتاده است. (نسخ دیگر، کلمه بلند را دارند) مثال ۲: مزن بانگ بر شیرمردان: مراد از اینان دین اند... چو با کودکان: مراد از اینان اهل دنیا اند. (مل، ص ۱۳۰، س ۵) در نسخ دیگر، قبل از کلمه دین، مردان آورده شده که از این نسخه، ساقط شده است.

۶- ۵. مصرع ها و عبارات جابجا شده و نظم ابیات بر هم خورده است:

مثال: مرا بار غم بر دل ریش نیست (زیرا) که دنیا همین ساعتی پیش نیست (زیرا) که دنیا همین ساعتی پیش نیست در بعض نسخ این بیت واقع شده:

غم و خرمی پیش درویش نیست نه گر دست گیری کنی خرم

(اس، گ ۴۹، س ۶-۵)

پرواضح است که در اینجا باید یکی از دو مصرع تکراری بیت بالاتر به سطر پایین آورده شود و در جای خودش (مصرع دوم) قرار داده شود و بنابراین بیت اخیر چنین است:

غم و خرمی پیش درویش نیست (زیرا) که دنیا همین ساعتی پیش نیست

مصرع « نه گر دست گیری کنی خرمم» نیز با بیت بعد (که مصرع اول آن است)

خوانده می شود.

۶- مقایسه نسخه ها

با بررسی نسخه اساس و دیگر نسخ شرح سروری این نتایج به دست می آید:

۱-۶. نسخ اس و میج که داری اشکالات املایی، تصحیفات، افتادگی حروف و کلمات و ناخوانایی معتنا بهی هستند از نظر متن و رسم الخط، قرابت بسیاری با همدیگر دارند و دومی

از روی اوّلی نوشته شده است؛ مثلاً کلمات بیگان گانش، زنده گانی، حافظ، نه تیجه، غلیض، خطاب، اعطاء و... در هر دو نسخه به همین صورت، غلط کتابت شده اند. (همین مقاله، ص ۱۵) و یا اینکه کاتبان این دو نسخه (برخلاف کاتبان مل و دت) تمایل غالب بر ناپیوسته نویسی غیر متعارف داشته اند؛ مثلاً کلمات مرکب؛ مثل پی روان در هر دو این نسخه، معمولاً ناپیوسته اند و بای قبل از فعل مضارع و امر و بای زینت و «ن» نفی و ... جدا کتابت شده اند: به بندند، به بست، به بخشای، نه بست. (همان، ص ۱۰)

فراوانی ناپیوسته نویسی‌ها و بخصوص دو قسمت کردن کلماتی که نمی‌توان آنها را دو قطعه کرد، نیز نشان می‌دهد که کاتبان دو نسخه اس و مج بر متن تسلط نداشته و نسخه برداری صرف می‌کرده اند؛^۱ چرا که در غیر این صورت، هیچ وقت کلمه‌ای مثل «بدندیش» را دو قطعه کرده و «بدند» را در یک سطر و «یش» را در سطر بعد نمی‌نوشتند...

با وجود این، در مواردی هم، صحیح‌ترین ضبط‌ها را در اس مشاهده می‌کنیم. می‌توان گفت که بعضاً در نسخه‌های مل و دت، دقت و صحت، تحت الشعاع توجه بیشتر به خط اطمینان و زیبایی نوشتن قرار گرفته است. با دیدن بعضی از این لغزش‌ها و اغلاط در نسخه‌های مذکور، که در نسخه اساس راه نیافته‌اند، به ارزش اقدام نسخ، پی می‌بریم.

۲-۶. نسخه مل، که به خط خوش نستعلیق تحریر شده و خواناست، کمترین اختلاف‌ها را (از لحاظ متن و رسم الخط) با نسخه دت (که آن نیز نسخه‌ای با اغلاط و خط خوردگی‌های کمتر نسبت به دیگر نسخ است) دارد. این نسخه، کامل‌ترین نسخه‌هاست و افتادگی صفحات، کلمات و حروف آن بمراتب کمتر از نسخه‌های اس و مج است.

در نسخه‌های مل و دت، اغلاط و شیوه خط نامتعارف اس و مج، کمتر دیده می‌شود؛ مثلاً کلمات بیگانگانش، زندگانی، حافظ، نتیجه، غلیظ، خضاب، اعضاء و امثال آن به همین صورت

۱- کاتبان نسخ مل و دت نیز، و لو به ندرت، مرتکب این خطا شده و در چند مورد، به ناپیوسته نویسی و دو قطعه کردن کلمات تجزیه ناپذیر دست زده اند و قسمتی از کلمه را در آخر سطر و بخشی را در آغاز سطر بعد آورده اند.

درست کتابت شده‌اند و «ب» قبل از افعال (که ذکر شد) و کلمات مرکبی مانند سنگدل، در نسخ مل و دت، پیوسته هستند؛ مگر اینکه پر دندان باشند؛ مانند: پیش بین. با توجه به این که مل پس از نسخهٔ اساس، از بقیه قدیم‌تر است و کاستی‌ها و ابهامات اندکی دارد، می‌تواند کمبودهای سایر نسخه‌ها را جبران کند.

Archive of SID

نتیجه گیری

شناسایی، تصحیح و نشر نسخ خطی فواید بسیاری دارد که آشنا کردن نسل امروز با گذشته، فرهنگ، زبان و هویت خود و دیگران از جمله آنهاست. «بوستان» سعدی، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین منظومه‌ها در ادبیات ایران و حتی جهان، در داخل و خارج ایران در ادوار متعدد تاریخ و ادبیات، مورد توجه ادیبان، شاعران، استادان و محققان بوده و بارها به ترکی، عربی و... ترجمه شده و نسخ خطی این منظومه، کراراً تصحیح، شرح، و تعلیقات و حواشی بر آن نوشته شده است.

شرح بوستان سروری اولین شرح بوستان در خارج از ایران است و ظاهراً قبل از این شارح، کسی شرح کاملی به فارسی از بوستان سعدی به دست نداده است. از آنجایی هم که معانی غالباً دقیق فارسی (و در مواردی ترکی) سروری ذیل واژگان، عبارات و ترکیبات اسمی و فعلی ابیات، مشکل گشای بعضی از دشواری‌ها و در فهم موارد شبهه و اختلاف، مدد رساننده تواند بود، لذا معرفی، تصحیح و تدوین شرح او از ضروریات پژوهش‌های ادبی است و اشکالاتی که سروری در مواردی در شرحش از بوستان دارد، از روی آوردن اهل ادب به این اثر ارزشمند، چندان نخواهد کاست.

از شرح سروری نسخه‌های خطی با ویژگی‌های زیر موجود است:

نسخه کتابخانه مجلس سنا (قدیم‌ترین نسخه این شرح، که در زمان مؤلف کتابت شده و نسخه اساس نگارنده است) و شبیه‌ترین نسخه به آن (نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، جدا از ارزش و قدمتشان، اشکالات املائی، نگارشی و افتادگی صفحات، کلمات و حروف معتناهی دارند. این نیز مسلم است که نسخه مجلس شورای اسلامی از روی نسخه مجلس سنا نوشته شده است و حتی بسیاری از سهوالقلم‌ها و خط خوردگی‌های نسخه مجلس سنا، دیگر در نسخه متأخر مجلس آورده نشده و حذف گردیده است.

نسخه کتابخانه ملی، کامل‌ترین نسخه‌ها و با اشکال و افتادگی نسبتاً کم صفحات (از اواخر باب سوم تا اواسط باب چهارم)، کلمات و حروف است و کاتب آن دقیق‌تر و باسوادتر از

کاتبان دیگر نسخ بوده است و عمده افتادگی صفحات، جملات و کلمات نسخه کتابخانه مجلس سنا از این نسخه جبران تواند شد.

با وجود آنکه نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، نسخه ای متأخر است که افتادگی صفحات هم دارد، در عوض، خوش خط، منظم و کم غلط از نظر املا و افتادگی حروف است و از نظر متن و رسم الخط، به نسخه کتابخانه ملی شباهت زیادی دارد.

با این همه، قدیم ترین نسخه (اساس)، ارزش خاص خود را دارد و مواردی هم مشاهده می شود که در نسخه های کتابخانه ملی و دانشگاه تهران، دقت و صحت، شاید در ورای توجه بیشتر به خط اطمینان و زیبایی نوشتن، تحت الشعاع قرار گرفته است. با دیدن بعضی از این لغزشها و اغلاط در نسخ مذکور، که در نسخه اساس راه ندارند، ارزش قدیم ترین نسخه، آشکار می شود.

امید است این مقاله، توجه پژوهندگان بوستان را به شرح سروری معطوف سازد که در این صورت به نکات و دقایقی در این شرح خواهند رسید که در شرح های دیگر بدان دست نیافته اند.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- ۱- بلند، محمد، (۱۳۹۰): «تصحیح نسخه خطی شرح بوستان سروری (قرن نهم و دهم)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد نجف آباد.
- ۲- جهانبخش، جويا، (۱۳۹۰)، راهنمای تصحیح متون، چاپ سوم، تهران: میراث مکتوب.
- ۳- خزائلی، محمد، (۱۳۷۵)، شرح بوستان، چاپ دهم، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۸)، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۵- رامین، علی و دیگران، (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش گستر، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی دانش گستر.
- ۶- ریاحی، محمد امین، (۱۳۴۹)، «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی»، مجله هنر و مردم، دوره هشتم، شماره ۹۲.
- ۷- فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، بوستان سعدی، چاپ اول، تهران: آشیان.
- ۸- مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه پردازي و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- منزوی، احمد، (۱۳۵۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- ۱۰- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۸۴)، بوستان سعدی (تصحیح و توضیح)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات خوارزمی.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله